

حقیقت ناخوشایند

پاسخ به پرسش‌های آینده‌نگر درباره تهیدستان شهری



اعظم خاتم

جامعه‌شناس شهری

چرا باید خواند:

این تحلیل شناخت

دقیقی از استراتژی

طیقات تهیدست

ارائه می‌دهد؛ اینکه

تهیدستان فضای

خیابان را برای امرار

معاش انتخاب کرده‌اند.

راست افراطی امروز

لباس ضدیت با نظم

مستقر پوشیده و

این می‌تواند مطلوب

تهیدستانی باشد که

توسط این نظم سال‌ها

نادیده گرفته شدند.

تهیدستان شهری به چه کسانی گفته می‌شود و آنها چه نسبتی با

حاشیه‌نشین‌ها، زاعه‌نشین‌ها، محلات فقیرنشین و مهاجران دارد؟

تهیدستان شهری در همه شهرهای دنیا گروه‌هایی را در بر دارند که فاقد سرمایه و پشتوانه‌های اجتماعی و اقتصادی لازم برای برپایی زندگی متعارف شهری هستند، مثلاً اجاره‌نشین متعارف، ساخت و خرید خانه متعارف یا اشتغال رسمی. در مورد برخی از خانوارهای تهیدست همه این عوامل با هم جمع است اما در مورد بخشی از آنها این‌طور نیست. مثلاً بخشی از کارگران صنایع بزرگ مثل نفت و گاز، عسویه ممکن است تهیدست باشند؛ چون در آلودگی‌های دهات اطراف عسویه زندگی می‌کنند یا برعکس خانواری در یک اتاق اجاره‌ای در دل بازار تهران محل زندگی متعارف داشته باشد؛ اما به دلیل فقدان شغل و درآمد ثابت وضع متعارف نداشته باشد. گاه هم همه این عوامل جمع است، مثلاً در جعفرآباد کرمانشاه یا محلات حاشیه شهر قم خانوارهای زیادی با جمع‌آوری و فروش نان خشک در آلودگی‌هایی زندگی می‌کنند که فاقد حداقل تسهیلات و خدمات است. این محلات که به‌صورت غیررسمی شکل گرفته‌اند از بابت ساخت نامتعارف خانه‌ها، فقدان شبکه معابر مناسب و خدمات اولیه تفاوت فاحشی با محلات فقیرنشین داخل شهر که پیش از شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری ساخته شده‌اند، دارند. وقتی روند گسترش شهرنشین مدرن شروع شد، که در غرب طی قرن نوزدهم روی داد و در کشورهای در حال توسعه در اوایل و نیمه قرن بیستم رخ داد، عمده این گروه‌ها مهاجر تازه‌وارد بودند اما با شهرنشین شدن جوامع، تهیدستان شهری لزوماً مهاجر نیستند. اکثر آنها در شهرها متولد می‌شوند بی‌آنکه فرصت برپایی زندگی متعارف را پیدا کنند. در بحران‌های اقتصادی نظیر وضعیت ایران یافت شدید سیاست‌های اجتماعی دولت که در ورود تهیدستان به جرگه اشتغال و زندگی متعارف نقش زیادی دارد، خانواده‌های کارگری هم به این گروه ریزش می‌کنند. گسترش جمعیت تهیدست در غرب بیشتر معلول رشد اقتصادی بدون شغل و سیاست‌های نئولیبرال کاهش حمایت‌های اجتماعی است. در ایران بحران اقتصادی ناشی از انزوای هم در این امر مؤثر است. تهیدستان در شهرهای ایران رو به رشدند؛ دلایل آن هم روشن است. جامعه به‌طور کلی فقیرتر شده و تحرک اجتماعی معکوس فرصت زندگی متعارف را از جمعیت بیشتری سلب می‌کند. سرمایه در ایران بیش از هر جای دیگری در دنیا به‌جای فعالیت صنعتی و خدماتی اشتغال را مشغول سوداگری است. بنگاه‌های کوچک که در شرایط مشابه در کشورهای در حال توسعه به‌شدت رو به رشد هستند در ایران در نتیجه بی‌اعتنایی دولت و تهدیدات متفاوت که نمونه آن را در ساختمان پلاسکو و آتش‌سوزی قبلی در خیابان جمهوری شاهد بودیم رو به ورشکستگی‌اند. سیاست اجتماعی دولت و شهرداری‌ها هم تشدیدکننده

نکته‌هایی که باید بدانید

▶ آنها که از کارگاه‌های تولیدی و خدماتی رانده می‌شوند ناگزیرند فضای خیابان را برای امرار معاش

تصرف کنند. این شهر درونش را بیرون ریخته یا فضای خصوصی‌اش را عمومی کرده است.

▶ راست افراطی امروز لباس ضدیت با نظم مستقر پوشیده و این می‌تواند مطلوب تهیدستانی که

توسط این نظم سال‌ها نادیده گرفته شدند، باشد.

این وضع است. یک نمونه آن فقدان سیاست مؤثر برای کنترل هزینه‌های مسکن است که از ریزش خانواده‌های متعارف به رده تهیدست جلوگیری کند.

با توجه به افزایش آمار، آیا طبقه تهیدستان شهری به‌عنوان یک

طبقه مستقل در گروه‌بندی اجتماعی ایران مطرح هستند؟

مطالعات اجتماعی و شهری ما چند دهه است که با بررسی وضع حاشیه‌نشین‌ها به هویت‌یابی این طبقه - یا آن‌طور که می‌گویند مادون طبقه - کمک کرده است. از اولین تحقیقات در قبال از انقلاب توسط موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ما راه زیادی را در شناسایی وضعیت این گروه آمده‌ایم و محققان پیشگام زیادی را می‌توان برشمرد. بر اساس این مطالعات حاشیه‌نشین‌ها حدود بیست درصد جامعه شهری ما هستند. اما این همه تهیدستان شهری را در بر ندارد. این مطالعات می‌باید با مطالعه پدیده‌هایی مثل اتاق‌نشین، دست‌فروشان، بیکاران، کارتن‌خوابی و مشاغل نامتعارف تکمیل می‌شود که متأسفانه به دلیل ضعف علوم اجتماعی و بی‌اعتنایی دستگاه‌های متولی مطالعه عمیق و جامعی در دست نیست. طبقه‌بندی‌های شغلی و درآمدی در آمارهای ما هم کمک زیادی به شناسایی این گروه نمی‌کند و اطلاعات گروه‌های مددجو و تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی و غیره هم هنوز یکجا نشده که بتواند تصویری از این گروه به دست دهد. در اکثر کشورها اطلاعات درآمدی مستند به همراه آمار مددجویان (اعم از کسانی که از بانک‌های غذا یا مسکن اجتماعی استفاده می‌کنند به‌علاوه کسانی که زیر پوشش یکی از بیمه‌های رفاهی هستند) برای شناخت و پایش وضعیت تهیدستان ترکیب می‌شوند و مهم‌تر از ارائه عدد و رقم شیوه‌ها و استراتژی‌های زیست این گروه‌ها و بهبود زندگی‌شان تحلیل می‌شود.

غفلت از تهیدستان شهری و طبقه پایین شهری در گذار به دوره

دموکراتیک چگونه عمل خواهد کرد؟ آیا در این شرایط تهیدستان شهری

محمل راست می‌شوند؟

در این باره باید نگران بود. هم تجربه ایران هم تجربه جهانی شاهد حمایت بخشی از تهیدستان از افراطی‌ها است. در آمریکا هم بالاخره ادامه بحران اقتصادی گرایش قدرتمندی را ضد نظم مستقر لیبرال ایجاد کرد که ترامپ از آن درآمد. راست افراطی امروز لباس ضدیت با نظم مستقر پوشیده و این می‌تواند مطلوب تهیدستانی که توسط این نظم سال‌ها نادیده گرفته شدند، باشد.

تهیدستان در برابر تهدید فقر و سیاست‌هایی که زندگی‌شان را تهدید می‌کند فاقد استراتژی نیستند. ما قبلاً از حاشیه‌نشین به‌عنوان پیشروی آرام تهیدستان به سمت زندگی مدرن حرف می‌زدیم. امروز آصف بیات از «سیاست حضور» و «بازتصرف» فضا در شهرهای نئولیبرال خاورمیانه حرف می‌زند. به نظر مهم است که توجه کنیم در جوامعی که به‌شدت بازارگرا شده‌اند و تهیدستان را می‌رانند، ما شاهد گسترش شدید دست‌فروشی و تجمع بیکاران در هر گوشه و کنار هستیم؛ این چیزی جز این نیست که فقر بیرونی‌تر و رؤیت‌پذیرتر شده است. آنها که از کارگاه‌های تولیدی و خدماتی رانده می‌شوند ناگزیرند فضای خیابان را برای امرار معاش تصرف کنند. آنکه خانه ندارد در پارک یا گورستان می‌خوابد. این شهر درونش را بیرون ریخته یا فضای خصوصی‌اش را عمومی کرده است. ■